

بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری و درگیری تحصیلی دانش آموزان

پریناز نوری سلطان آباد* و حیدر رضازاده^۲

۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی parinaznori55@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین رابطه بین سبک های فرزندپروری و درگیری تحصیلی دانش آموزان بود. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان دختر پایه دهم شهر اردبیل که حجم نمونه ای به تعداد ۲۰۰ نفر از طریق جدول گرجی-مورگان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه های درگیری تحصیلی فردریکز و همکاران (۲۰۰۴) و سبک های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) بود. داده ها پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج این تحقیق نشان داد که بین سبک فرزندپروری سهل گیر و سبک مستبد با درگیری تحصیلی رابطه منفی و معنی دار و سبک فرزندپروری قاطع با درگیری تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار برقرار است ($P < 0/01$). بنابراین مطابق با یافته های این پژوهش، سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش بهترین شیوه فرزندپروری در زمینه درگیری تحصیلی دانش آموزان می باشد.

واژگان کلیدی: سبک های فرزندپروری، درگیری تحصیلی

مقدمه

یکی از متغیرهای مهم در یادگیری و عملکرد تحصیلی، درگیری تحصیلی است (کلیموسوا، بیورسوا، و بارتوسوا، ۲۰۱۵) که در یادگیری اولیه حیاتی است، تا این حد که از آن به عنوان یک منادی مهم یادگیری یاد می شود (زینگیچ، ۲۰۰۸). در واقع نبود اشتیاق به مدرسه می تواند پیامدهای جدی نظیر عدم پیشرفت در مدرسه، تمایل به رفتارهای انحرافی و خطر ترک تحصیل را به دنبال داشته باشد (فین و راک، ۱۹۹۷). سازه درگیری تحصیلی به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت تحصیلی مربوط است، اطلاق می شود (پنتریچ، ۲۰۰۳). این مفهوم به کیفیت تلاشی اشاره دارد که دانش آموزان صرف فعالیت های هدفمند آموزشی می کنند تا به صورت مستقیم در دستیابی به نتایج مطلوب نقش داشته باشند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۳). دانش آموزان با عملکرد تحصیلی ضعیف، درگیری کمتری به مدرسه خود دارند (موریاو همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین بنابراین لازم است عوامل موثر بر آن شناسایی و تقویت گردد.

خانواده پایه گذار شخصیت، هویت، ارزش ها و معیارهای فکری فرزندان و محل یادگیری فرهنگ، هنجارها، ارزش ها و نقش جنسیتی است (دادلی و پوستون، ۲۰۱۵). بنابراین مطالعه روابط والدین و کودک، یکی از بحث های مهم روانشناسی را تشکیل می دهد. سبک های فرزندپروری^۱ به روش هایی گفته می شود که به صورت منفرد یا در تعامل با یکدیگر بر رشد افراد تاثیر می گذارند. می توان گفت سبک های فرزند پروری در واقع تلاش والدین برای اجتماعی کردن کودکان خود است (بامریند، ۱۹۹۱). با توجه به ابعاد رفتاری «گرمی و کنترل» (بامریند ۱۹۹۱) سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نمود: الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش؛ الگوی رفتاری مستبد؛ الگوی رفتاری سهل گیر^۲. مشخصه سبک مقتدر، گرمی، ثبات در فرزند پروری و کمی اعلان قدرت است. ارتباطات گسترده و پرورش فردیت و جستجوگری از ویژگی های این سبک می باشد. والدین سلطه جو بر همنوایی، اطاعت و احترام به نظر مراجع قدرت در خانواده تأکید دارند. والدین سهل گیر ترکیبی از کنترل و نظم پایین را نشان می دهند و قوانین کمی در خانه حکمفرما می کنند (گزالز و ولترز، ۲۰۱۰). والدین مقتدر با شاخص های مثبت بهزیستی روانشناختی مانند شادکامی (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶) رابطه مثبت و معنادار دارد. یافته های دیاکونو-گراسیم و مارین^۳ (۲۰۱۶) هم حاکی از اهمیت نقش والدین در ارتباط با جهت گیری های هدف در پیشرفت نوجوانان دبیرستانی است. همچنین، روابط نزدیک عاطفی با والدین بر رضایت و شادکامی کودکان و نوجوانان تأثیر می گذارد (اماتو، ۱۹۹۴). با این حال درگیری والدین، مداخله بیش از حد والدین، عدم درک و تنبیه بدنی از عوامل تهدید کننده بهزیستی روانشناختی نوجوانان می باشد (پروکتور، لینلی و مالتبی،^۴

1 Academic Engagement

2 Zyngier

3 Finn & Rock

4 Pintrich

5 Moreira

6 Dudley & Poston

7 Parenting Styles

8 Baumrind

9 Authoritative

10 Authoritarian

11 Permissive

12 Gonzalez & Wolters

13 Diaconu-Gherasim & Măirean

14 Amato

15 Proctor, Linley & Maltby

۲۰۰۹). از نظر کراوس، کورنبلو و زلدین^۴ (۲۰۱۷) تجربیات مثبت در برنامه های بعد از مدرسه ممکن است درگیری دانش آموزان به مدرسه را پیش بینی کند. درگیری دانش آموزان و مشارکت در مدارس برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و انتقال موفقیت آمیز آنها به برنامه های بعد اساسی است. تحقیقات موجود در کشورهای غربی در مورد درگیری تحصیلی عمدتاً محدود به پیش بینی کننده های فردی و مدرسه ای بوده است. علاوه بر این، مطالعات اندکی به بررسی رابطه "متقابل" بین کیفیت تجربیات دانش آموزان در محیط های جامعه (خانواده) و درگیری تحصیلی پرداخته اند (کراوس و همکاران، ۲۰۱۷).

بنابراین به نظر می رسد سبک های فرزندپروری با درگیری تحصیلی نیز در ارتباط باشد اما با توجه به اینکه شواهد محکمی در این زمینه در دست نیست، بررسی این موضوع می تواند یافته های مفیدی را در اختیار قرار دهد. از این رو در پژوهش حاضر به این سوال پاسخ داده می شود که آیا سبک های فرزندپروری و درگیری تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر از نوع تحقیق توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دختر پایه دهم شهر اردبیل می باشد که نمونه ای به تعداد ۲۰۰ نفر به روش نمونه گیری در دسترس از بین آنها انتخاب پرسشنامه در بین آنها توزیع شد.

برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای ذیل استفاده شد:

مقیاس درگیری تحصیلی: این مقیاس به وسیله فردریکز^۷ و همکاران (۲۰۰۴) ساخته شده و دارای ۱۵ گویه است که این گویه ها سه مولفه درگیری رفتاری، درگیری عاطفی و درگیری شناختی را می سنجد. گویه های ۱ تا ۴ درگیری رفتاری، گویه های ۵ تا ۱۰ درگیری عاطفی و گویه های ۱۱ تا ۱۵ درگیری شناختی را می سنجد. پاسخ هر کدام از گویه ها دارای نمرات یک تا ۵ است که "هرگز" تا "در تمام اوقات" را شامل می شود. طراحان مقیاس، ضریب پایایی این مقیاس را ۰/۸۶ گزارش کرده اند (فردریکز و همکاران، ۲۰۰۴). روایی این پرسشنامه در پژوهش های قبلی تایید شده (صفری و همکاران، ۱۳۹۵) و پایایی کل به روش آلفای کرونباخ در پژوهش عباسی و همکاران (۱۳۹۴) ۰/۶۶ و در پژوهش صفری و همکاران (۱۳۹۵) ۰/۷۴ گزارش شده است که حاکی از پایایی قابل قبول این پرسشنامه می باشد. در پژوهش نخستین گلدوست (۱۳۹۷) جهت برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب برای کل پرسشنامه ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس های درگیری رفتاری، درگیری عاطفی و درگیری شناختی به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۵ و ۰/۸۸ به دست آمد.

مقیاس سبک های فرزندپروری والدین: از پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده اول آن به شیوه سهل گیر، ۱۰ ماده به شیوه مستبد و ۱۰ ماده دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش در امر پرورش فرزند مربوط می شود و بر حسب طیف لیکرت، یک مقیاس ۵ درجه ای (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، کاملاً مخالفم) مشخص شده است. شیوه نمره گذاری به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری می شود و با جمعه نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد شیوه سهل گیر، شیوه مستبد و شیوه قاطع و اطمینان بخش به دست می آید. این پرسشنامه در پژوهش های متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن در حد مطلوبی گزارش شده است. بامریند (۱۹۹۱) میزان اعتبار این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل گیر، ۰/۸۵ برای مستبد و ۰/۹۲ برای الگوی قاطع و اطمینان بخش گزارش نموده است. در در پژوهش الیاسی (۱۳۹۷) جهت برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب

آلفای کرونباخ استفاده شد که این ضریب برای شیوه سهل گیر ۰/۷۹، برای شیوه مستبدانه ۰/۷۴ و برای شیوه قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۷ به دست آمد. این پرسشنامه توسط والدین دانش آموزان پاسخ تکمیل گردید.

برای تجزیه و تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS26 استفاده شد.

یافته ها

در جدول ۱ ضرایب همبستگی سبک های فرزندپروری و درگیری تحصیلی گزارش شده است:

جدول ۱- ضرایب همبستگی نارسایی هیجانی و کمروبی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین
درگیری تحصیلی	سبک سهل گیر
$p=۰/۰۰۰$ ، $r=-۰/۴۲۹^{**}$	سبک مستبد
$p=۰/۰۰۰$ ، $r=-۰/۴۶۹^{**}$	سبک قاطع
$p=۰/۰۰۰$ ، $r=۰/۴۵۱^{**}$	

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

نتایج جدول فوق نشان می دهد که بین سبک فرزندپروری سهل گیر و سبک مستبد با درگیری تحصیلی رابطه منفی و معنی دار و سبک فرزندپروری قاطع با درگیری تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار برقرار است ($p < ۰/۰۱$).

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده بدین معنی است که سبک فرزندپروری والدین دانش آموزانی که در مقیاس درگیری تحصیلی نمرات بالاتری را کسب کرده اند غالباً قاطع و اطمینان بخش و سبک فرزندپروری والدین دانش آموزانی که در مقیاس درگیری تحصیلی نمرات پایین تری را کسب کرده اند غالباً از نوع سهل گیر و مستبد است. به عبارتی دیگر، والدینی که در زمینه فرزندپروری سهل گیر و مستبد هستند فرزندان آنان از سطوح پایینی از درگیری تحصیلی برخوردارند و برعکس والدینی که در زمینه فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش هستند، فرزندان آنان از سطوح بالایی از درگیری تحصیلی برخوردارند. هر چند پژوهشی که مستقیماً از یافته های پژوهش حاضر حمایت کند، یافت نشد، ولی بسیاری از پژوهش ها سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش را بهترین نوع سبک فرزندپروری می دانند و اثرات مثبت آن را بر روی متغیرهای تحصیلی دانش آموزان نشان داده اند. برای نمونه ویلیامز و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که سبک فرزندپروری دموکراتیک و مقتدرانه باعث افزایش خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی می شود. همچنین یوسف زاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی گزارش کرده اند که بین سبک مقتدرانه و خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت وجود دارد و سبک های فرزندپروری والدین خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی می کند. تونزده جانی و همکاران (۱۳۹۰) هم نشان دادند که شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه نسبت به شیوه ی سهل گیرانه و شیوه ی مستبدانه بر افزایش خودکارآمدی تأثیر معنی داری داشته است. توافق بر این است که سبک فرزندپروری با پیامدهای مختلفی از قبیل آسیب شناسی روانی، مشکلات رفتاری و پیشرفت تحصیلی ارتباط دارد. در برخی مطالعات نشان داده شده است که بین سبک های فرزندپروری و آسیب شناسی روانی والدین ارتباطی وجود دارد (اویسرمن و همکاران، ۲۰۰۲؛ اکرسون، ۲۰۰۳؛ برگ- نیلسن و همکاران، ۲۰۰۳؛ وستانیس و همکاران، ۲۰۰۶). تامپسون و همکاران (۲۰۰۳) از نگرش های فرزندپروری مستبدانه به عنوان یک خطر برای مشکلات سلوکی یاد کرده است. به طور کلی، پژوهش ها نشان می دهند که روش های تربیتی والدین اثرات طولانی بر رفتار، عملکرد، انتظارات و در نهایت شخصیت افراد در آینده دارد. مثلاً والدین سختگیر و دیکتاتور مانع پیشرفت و خلاقیت کودک

می شوند. والدینی که اجازه نمی دهند کودک ابراز وجود کند مانع بروز استعدادهای بالقوه او می شوند و در نتیجه این قبیل کودکان در آینده افرادی روان رنجور و پرخاشگر خواهند شد (به نقل از مهرابی زاده و همکاران، ۱۳۷۹). گاستلو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که شیوه های فرزند پروری (ترکیبی از کنترل و محبت بالا) بر افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی پسران و استقلال دختران موثر است. هم چنین در این پژوهش، فرزندپروری سهل گیرانه (کنترل کم و محبت بالا) با شایستگی کمتر در پسران و ابراز وجود کمتر در دختران همراه بوده و نهایتاً خانواده سهل گیر با سطوح وسیعی از اختلال عملکرد در دختران و پسران ارتباط داشت. مطابق با نتایج پژوهش الیاسی (۱۳۹۷)، شیوه فرزندپروری والدین دانش آموزانی که در آزمون خودکارآمدی تحصیلی نمرات بالاتری را به دست آورده اند بیشتر از نوع قاطع و اطمینان بخش (مقتدرانه) و شیوه فرزندپروری والدین دانش آموزانی که در این آزمون نمرات پایین تری را به دست آورده اند بیشتر از نوع سهل گیر و مستبدانه می باشد. از آنجایی که خودکارآمدی یکی از عوامل موثر بر درگیری تحصیلی است (اسلامی، درتاج، سعدی پور و دلاور، ۱۳۹۷)؛ لذا می توان نقش مثبت سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش و نقش منفی سبک سهل گیر و مستبد را در ارتباط با درگیری تحصیلی دانش آموزان درک کرد.

در امور پژوهشی معمولاً محدودیت هایی وجود دارد که چنانچه محقق بتواند بر آن ها فائق آید، نتایج پژوهش با دقت بیشتری حاصل خواهد شد. پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ از جمله محدودیت های پژوهش حاضر، بکارگیری پرسشنامه خودگزارشی است و ممکن است در پاسخ ها سوگیری وجود داشته باشد که می توانست در نتایج تحقیق مؤثر باشد و جامعه آماری فقط دانش آموزان دختر پایه دهم شهر اردبیل بود و از جامعیت پایینی برخوردار بوده که باید تعمیم نتایج با احتیاط صورت گیرد در این رابطه استفاده از مصاحبه کیفی به جای پرسشنامه و انجام پژوهش در سایر گروه ها جهت بالا بردن قدرت تعمیم پذیری نتایج می تواند مفید و موثر واقع گردد.

منابع

- الیاسی، فرشته. (۱۳۹۷). پیش بینی خودکارآمدی تحصیلی دانش آموزان بر اساس شیوه های فرزندپروری والدین و مهارت های فراشناختی دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان سراب، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد واحد سراب
- صفری، هدیه؛ جناآبادی، حسین؛ سلم آبادی، مجتبی و عباسی، امیر. (۱۳۹۵). پیش بینی اشتیاق تحصیلی بر اساس هوش معنوی و سرسختی روان شناختی، *دو ماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، دوره نهم، شماره ۱، صص ۱۲-۷
- عابدی، احمد؛ معماریان، آذین دخت؛ شوشتری، مژگان؛ گلشنی منزه، فرشته. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی مداخلات چند بعدی شناختی - رفتاری بر میزان عملکرد تحصیلی و اشتیاق تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر اصفهان، *مجله روانشناسی تربیتی*، شماره ۳۲، صص ۹۴-۷۹
- فیروزی، محمدرضا؛ محمدی، مهرنوش و نیکدل، فریبرز. (۱۳۹۶). نقش پیش بینی کننده هوش هیجانی و سبک های فرزندپروری ادارک شده در شادکامی دانش آموزان، *پژوهش نامه روانشناسی مثبت*، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۰-۳۹
- Amato, P. R. (1994). Father-child relations, mother-child relations, and offspring psychological well-being in early adulthood. *Journal of Marriage and the Family*, 1031-1042
- Baumrind D. (1991). Current patterns of parental authority. *Developmental psychology Monographs*; 4: 1-101
- Diaconu-Gherasim, Loredana R. and Măirean, Cornelia. (2016). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations, *Learning and Individual Differences*, 49, 378-385

- Dudley L. Poston, J. R. (2015). The Family and Social Change in Chinese Societies. *The Springer Series on Demographic Methods and Population Analysis, Journal of Early Adolescence*, 34(2), 521-528.
- Finn, J. D., & Rock, D. A. (1997). Academic success among students at risk for school failure. *The Journal of Applied Psychology*, 82, 221-234. Finn, J. D. (1989). Withdrawing from school. *Review of Educational Research*, 59(2), 117- 142.
- Gonzalez, A. R., & Wolters, A. C. (2010).. The relationship between perceived parenting practices and achievement motivation in mathematics. *Journal of Research in Childhood Education*, 21, 203-216.
- Krauss, S. E., Kornbluh, M & Zeldin, S. (2017). Community predictors of school engagement: The role of families and youth-adult partnership in Malaysia, *Children and Youth Services Review*, 73, 328-337
- Moreira, Paulo A.S. Dias, Adelaide., Matias, Carla., Castro, Jorge., Gaspar Tânia and Joana, Oliveira . (2018). School effects on students' engagement with school: Academic performance moderates the effect of school support for learning on students' engagement, *Learning and Individual Differences*, 67, 67-77
- Proctor, C. L., Linley, P. A., & Maltby, J. (2009). Youth life satisfaction: A review of the literature. *Journal of happiness studies*, 10(5), 583-630.
- Zyngier, D. (2008). Conceptualizing student engagement: Doing education not doing time. *Teaching and Teacher Education*, 24, 1765-1776.